گشایش در خواربار تهران

از ایـن تاریخ برای رفاه اهالی و حصول گشـایش در خواربار تهران به عموم سـاکنین شـهر از خانه دار یا نانوا آزادی داده می شـود که بدون هیچگونه تشریفات و پرداخت مابه‌التفاوت گندم و آرد مصرف شخصی یا دکان خود را از خارج وارد نموده و مصرف نمایند. بدیهی اسـت دکان های نانوایی نسبت به آنچه از خارج می آید مقید به رعایت نرخ رسـمی خواهند بود. دکان های خشکه پزی ونان شـیرمال پزی در مقام استفاده از آزادی که داده شـده می توانند آرد مصـرف دکان خود را وارد و به بهایی که خریدار طالب است آزادانه به فروش برسانند.

شهرداری تهران

روزنامه اطلاعات – ۹ شهریور ۱۳۲۰

بازگشایی دکان ها و توزیع کالا

آگهی

بطوری که مشـاهده می شـود اغلب مغازه ها بسـته و مـردم از حیث تهیه احتیاجات در زحمت هستند. فرمانداری نظامی بدینوسیله متذکر می گردد که عموم کسبه و مغازه داران بایستی به فوریت دکانها را باز و با گذاشتن کالای خود در دسترس مشتریان مشغول کار خود باشند. هر گاه از روز ۱۲ شـهریور مغازه بدون جهت اقناع کننده بسـته باشد صاحب مغازه مورد تعقیب واقع خواهد گردید.

فرماندار نظامی تهران – سپهبد احمدی

روزنامه اطلاعات– دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۲۰

آگهی عبور و مرور در شهر

بمنظور رفاه عامه در ساعات شب که عبور و مرور در شهر ممنوع است، مراتب زیر آگهی داده می شود:

۱–کسـانی که محتاج به پزشـک و یا ماما و یا دارو باشـند در صورتی که دارای تلفون بوده باید به فوریت به کلانتری مربوطه تلفون نموده تا منظور آنها انجام شود.

۲– در مورد کسانی که دارای تلفون نیستند باید به اولین پاس خیابان مراجعه نموده پاسبان ها موظف هستند فورا کلانتری را مستحضر تا اقدام فوری به عمل آید.

۳– چون بواسطه مقررات فرمانداری نظامی تهران عبور و مرور در شهر ممنوع است در هر کلانتری همه شب یک دستگاه اتومبیل بطور کشیک آماده و حاضر است تا رفع احتیاجات مردم از حیث دارو و پزشک فورا انجام شود.

فرمانداری نظامی تهران

روزنامه کوشش – جمعه ۱۴ شهریور ۱۳۲۰

بُرشِ جریده

تهیه و تنظیم:حسن مجیدی

برقراری حکومت نظامی در تهران

به‌عموم اهالی پایتخت بدین وسـیله آگهی داده می‌شـود از این تاریخ مقررات حکومـت نظامی در پایتخت برقرار و به عموم افراد پایتخت توصیه می‌شـود با نهایت شهامت خونسردی را از دست نداده و در حفظ انتظامات به مأموران فرمانداری نظامی و شهربانی کمک لازم را بنمایند. وسایل آسایش عمومی از هرحیث فراهم شده ضمناً برای استحضار عموم تذکر داده می‌شود خواربار شهر تأمین و از این حیث به‌هیچ‌وجـه جای نگرانی نیسـت. عبور و مرور از سـاعت ۹شـب در شهر به کلی ممنوع اسـت. پاره‌ای از مواد قانون حکومت نظامی برای استحضار عامه گوشزد می‌شود.

ماده اول– از وقتی اعلان حکومت نظامی می‌شـود اموری که راجع به امنیت و آسایش عمومی است با تصویب هیأت وزیران توسط وزارت جنگ اجرا خواهد شد.

ماده دوم– باید محاکم نظامی موقتی تشکیل داده شود که با سرعت و شدت در تقصیرات و اقداماتی که بر ضد امنیت و آسایش عمومی است رسیدگی نمایند.

ماده سوم– تمام حکام محاکم نظامی باید اهل نظام باشند.

ماده چهارم– اشـخاصی که عملاً برضد دولت مشروطه و امنیت و آسایش عمومی اقدام و خیانت آنها مدلل شده باشد محکوم به قتل خواهند بود.

ماده پنجم – اشـخاصی که سـوء ظن مخالفـت با دولت مشـروطه و امنیت و انتظام عمومی در حق آنها بشـود قوه مجریه حق توقیف آنها را خواهد داشـت و پس از توقیف اسـتنطاق آنان شروع می‌شود. هر گاه در استنطاق سوء ظن به کلی رفع نشـود شخص مظنون در توقیف باقی و بعد از اختتام حکومت نظامی به عدلیه تسلیم خواهد شد.

ماده ۷– مأمورانی که تأمین شـهر به عهده آنـان واگذار اسـت در صورت سـوءظن حق دخول به منازل و اجرای تحقیقات خواهند داشـت در صورت مخالفت و مقاومت جبراً می‌توانند داخل شوند و مخالف و مقاوم قهراً دستگیر و موافق حکم محکمه نظامی قویاً سیاست خواهند شد.

ماده هشتم – روزنامه‌ها و مطبوعات اگر بر ضد اقدامات دولت انتشاراتی به طبع رسانند، نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف در صورتی که تحریک به ضدیت دولت شده باشد متصدی آن یا مدیران آنها موافق حکم محکمه نظامی مجازات خواهند شد.

ماده نهم– مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولتی بوده‌اند مقرر می‌شوند، قابل تخفیف نیست.

ماده دهـم – اجتماعـات و انجمن‌ها در مـدت حکومت نظامی باید به کلی موقوف و متروک باشد و اگر اجتماعی منعقد شـود به مجرد اخطار اولیه پلیس باید متفرق شوند و در صورت مقاومت جلـب به محکمه نظامی و محکوم به مجازات خواهند شد. هر گاه اجتماعات مزبور کلاً یا بعضاً مسلح باشد مقارن همان اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات می‌شوند.

ماده یازدهم – حمل اسـلحه از هر قبیـل جز برای مأموران دولت که مأمور نظم و امنیت عمومی هسـتند اکیداً ممنوع است. هر گاه سلاحی در دست کسی غیر از مأموران دولت دیده شـود اسـلحه ضبط دولت و حامـل آن موافق حکم محکمه نظامی مجازات می‌شود.

فرماندار نظامی تهران– سپهبد امیر احمدی

روزنامه ایران – شنبه ۸ شهریور ۱۳۲۰

هشدار برای حفظ از خطر بمباران هوایی

در تعقیب تذکرات سابق به عموم اهالی آگهی می‌شود:

آگهـی خطر هوایی در شـب بوسـیله خاموش شـدن چراغ‌های برق و در روز بوسیله سوت داده می‌شود به این ترتیب که در مدت پنج دقیقه دو سوت با صدای کشیده متوالـی زده می‌شـود. هنگامی که خطـر هوایی آگهی می‌شـود اهالی باید دستور زیر را به دقت رعایت نمایند. تخلف کنندگان از این دستور شدیداً تعقیب خواهند شد.

۱– کسـانی که در خانه هستند از خانه بیرون نیایند و در زیرزمین یا پناهگاه‌هایی مانند آن بمانند.

۲–اگر در کوچه یا خیابان هستند دور یکدیگر جمع نشوند و هر کدام خود را با سرعت و خونسردی به خانه برسانند.

۳– کلیه وسـائط نقلیه باید فوراً بطرف راسـت جاده یا خیابـان رفته توقف نمایند. اگر شـب باشـد چراغ‌های خود را خاموش کنند و مسافرین باید به پناهگاه یا محل سرپوشیده بروند.

۴ – اهالـی باید فوراً تمام چراغ هـا را خواه چراغ برق و خواه چراغ نفتی و حتی اجـاق ها و کوره‌ها را خاموش کنند، به‌طوری که کمترین نوری دیده نشود.

۵– در هـر خانه یـک اتاق، پرده سـیاه از پارچه ضخیم کشیده شود که اگر هنگام شب موقع آگهی خطر هوایی اهل خانه محتاج به نور شدند در آن اتاق چراغ را روشن کنند و پرده‌های سیاه را جلو پنجره‌ها بکشند که روشنایی بهیچوجه از بیرون معلوم نباشد.

۶– کسانی که در مغازه‌ها و بنگاه‌ها هستند تا پایان آگهی خطر در همان جا خواهند ماند.

۷–اگر آتش‌سوزی رخ داد فوراً با تلفن ۸۸۸۷ و ۸۸۸۸ به اداره آتش‌نشانی اطلاع دهند.

۸–اگر بمبی در نزدیکی کسی فرود آید فوراً روی زمین به سینه دراز بکشـد و پس از تمام شدن صدای ترکیدن بمب فوراً از زمین بلند شده از آن محل دور شود. پس از آن لباس خودرا کنده دست و صورت خودرا با دستمال پاک کنند.

۹– رانـندگان، اتومبیل خود را در کنار جاده در سـمت راست متوقف ساخته و چراغ‌های آن را خاموش کنند.

۱۰ – آگهی رفع خطر هوایی در شـب بوسیله روشن شدن چراغ برق و در روز به وسـیله سـوت داده می‌شود، به این ترتیب که چند سوت مکرر کوتاه به مدت سه دقیقه کشیده می‌شود.

۱۱ – در هـر خانه‌ای یک بیل پهـن و یک کلنگ باید باشـد و در موقع رفتن به زیر زمین‌ها همراه ببرند که اگر آوار جلوی درب زیر زمین را سد کرد راه را باز نمایند و همچنین مقداری لوازم زخم‌بندی (چند نوار زخم بندی، مقداری هیدروفیل، مقداری الکل و تنتورید و چند تکه تخته نازک کوتاه و تیز و پهن) و مقداری شـن و ماسـه برای خاموش کردن آتش باید در هر خانه باشد.

۱۲– پـس از آگهی رفع خطـر زخمی‌ها و مجروحین را برای زخم‌بندی و درمان به یکی از محل‌های زیر ببرند.

تیمارگاه مرکزی بهـداری شـهرداری. خیابان پهلوی، چهارراه امیر اکرم. تلفن ۵۸۶۹

تیمارگاه برزن ۱. خیابان شاه، نزدیک چهارراه اسلامبول. تلفن ۸۷۸۰

تیمـارگاه برزن ۲. خیابـان مسعودسـعد، مقابل وزارت جنگ. تلفن ۷۱۷۵

تیمارگاه برزن ۳. خیابان پهلوی، امیریه جنت گلشن سابق. تلفن ۷۳۸۵

تیمـارگاه بـرزن ۴. خیابان مولوی (اسـمعیل بـزاز) باغ فردوس. تلفن ۵۰۳۲

بیمارستان زنان و کودکان. خیابان سعدی، دروازه دولت. تلفن ۴۸۲۶

بیمارستان وزیری. خیابان مرحوم شیخ هادی. تلفن ۹۶۵۵

بیمارستان رازی. خیابان شاهپور. تلفن ۸۲۹۰

بیمارستان فارابی. خیابان قزوین، میدان قزوین. تلفن ۵۵۴۳

بیمارستان روزبه. خیابان سی متری نظامی

بیمارستان گوهرشاد. خیابان بلور سازی. تلفن ۶۷۷۴

بیمارستان سینا. خیابان سپه. تلفن ۷۷۵۱

بیمارسـتان آمیزشـی. خیابان پهلوی (انتظام السـلطنه – باباطاهر)

بیمارستان فیروز آبادی. شهر ری. تلفن ۹۶۶۷

تیمارگاه بهداری شـهرداری تجریـش. میدان تجریش. تلفن از (۰۰) گرفته شود.

تیمارگاه بهداری شـهرداری دربند. تلفن از (۰۰) گرفته شود.

مرکز بنگاه حمایت از مادران و کودکان نوزاد. خیابان پهلوی (امیریه) منزل تیمسار سرتیپ ناصر السلطنه. تلفن ۶۰۴۱

مطب عمومی شـیر و خورشـید سـرخ. خیابان مولوی (اسمعیل بزاز). تلفن ۶۷۲۶ / وزیر کشور– علی سهیلی

روزنامه ایران– چهارشنبه ۵ شهریور ۱۳۲۰

سوگند پادشاهی، یک روز پس از استعفای پدر

ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد می کنم.

روزنامه ایران – شنبه ۲۷ شهریور ۱۳۲۰

سـاعت چهـار و نیم بعـداز ظهـر دیـروز اعلیحضرت محمدرضا شـاه پهلوی برای اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی و اجرای سوگند به مجلس شورای ملی تشریف فرما شدند وسوگند نامه زیر را قرائت و زیر آن را امضا کردند:

بسم‌الله تعالی

من خداونـد قادر متعال را گواه گرفته بـه کلام‌الله مجید و به آنچه نزد خدا محترم اسـت قسم یاد می کنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسـی مشـروطیت ایران را نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرره سـلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی‌عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عزشـانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند متعال در خدمت به ترقی ایران توفیق می‌طلبم و از

فرمان عفو عمومی

فرمان مبـارک اعلیحضـرت همایون شاهنشـاهی به این مضمون خطاب به‌هیـأت دولت صادر گردیده و از طرف آقـای نخسـت‌وزیر به وزارت دادگسـتری دسـتور داده شـد که بموقع اجرا بگذارند. نظر به مـاده ۵۵ قانون کیفر عمومی، به موجب این فرمان به دولت اجازه داده می‌شود که بزهکاران سیاسـی و همچنین غیر سیاسـی را که قانوناً بخشـودگی و تخفیف کیفر آنها اقتضـا دارد معین نموده بخشـودگی و تخفیف را مطابق مقررات قانون درباره آنها اجرا نماید و نسبت به کسانی هم که برای بخشودگی آنها طبـق ماده ۵۴ قانون کیفر عمومـی تصویب قانون خاصی ضرورت دارد، وزارت دادگستری فوراً لایحه آن را تهیه و به مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده پس از تصویب بموقع اجرا گذارند.

روزنامه کوشش– جمعه ۲۸ شهریور ۱۳۲۰

«تخته قاپون» و شهریور ۲۰

عشـایر را «مرزبانـان» کشـور می‌خوانند و اهمیت استراتژیک حضور قـوی این چادرنشـینان کوچ نشـین هیچگاه بـه اندازه جنگ جهانی دوم احساس نشد؛ زمانی کـه به‌دلیل نـگاه تجدد طلبانه و دگم رضاه شاه به‌صورت اجباری یکجانشین و خلع سلاح شـدند و هیچ قدرتی نداشـتند تا بتوانند سـد راه ارتش متفقین شوند. اتفاقی که در جریان جنگ جهانـی اول در کارنامه عشـایر قشقایی به رهبری «صولت الدوله قشقایی» و مقاومت نیروهایش در برابر انگلیسی‌ها یا حضور گسترده عشایر شاهسون در جریان جنگ‌های ایـران و روس رقم خورده بود ولی در جریان جنگ جهانی دوم کمتر نشانه‌ای از آن می‌توان دید و دلیل اصلی اش را باید در یکجانشـین کردن، دستگیری سران عشـایر و خلع سلاحشـان در دوران رضا شاه جست‌وجو کرد. تضعیف شدید عشـایر در دوران پهلوی اول خود را در جریان شـهریور سـیاه سـال ۱۳۲۰ با اشغال مناطق مرزی کشور از جنوب گرفته تا شـمال و ورود ارتش‌های انگلیس و روس و پیش روی دشت به دشت، کوهستان به کوهستان و شهر به شهر کشور نشان داد.

یکجانشین کردن اجباری عشایر یا آنچه در فرهنگ عشـایری «تخته قاپون» خوانده می‌شـود؛ سیاسـت تحمیلی بود که رضاشاه از همان ابتدای حکومتش در سال ۱۳۰۴ در پیش گرفت. یراوند آبراهامیان نویسنده کتاب ایران بین دو انقلاب می گوید رضاشاه عشایر و ایلات را «قبایل چادرنشین غیرمولد و بی‌سواد که در وضع طبیعی بدوی باقی مانده‌اند» می‌خواند.

عشایر بختیاری به‌عنوان یکی از قدرتمندترین ایلات کشـور به‌عنوان اولین گزینه یکجانشـینی اجباری انتخاب شـدند. رضاشـاه که از قدرت عشایر ترس داشت شخصاً به روند یکجانشین کردن و خلع سلاح آنها به بهانه تجدد و ترقی نظارت داشت؛ اتفاقی که با فشار نظامی ارتش و استقرار در گذرگاه‌های عبوری عشایر رقم خورد. حکومت پهلوی در این دوران بـه زور عشـایر را وادار به ساخت روسـتاهای جدید و حتی کوچ آنها به شهرها کرد اما حاصل این فشارها در نهایت در سال ۱۳۰۸ به طغیان عشایر کشور در مناطـق مختلـف بخصوص فارس، کهگیلویـه و بویراحمد و لرسـتان منجر شـد اما پاسخ رضاشاه و ارتش هم چیزی جز گلوله، دستگیری سران ایلات، زنـدان و اعدام آنها نبود. خاطرات تلخ آن سـال‌ها همچنان در عشایر لرسـتان ، خوزستان و... از سوی بزرگان نقل می‌شود تا ظلم‌های رفته نسل به نسل و سینه به سینه به دیگران هم منتقل شود. محمد بهمن بیگی بنیانگذار آموزش عشـایری، در اثری که در اوایل حکومت پهلوی دوم، منتشر کرد، می‌نویسد: «دولت رضاشـاه با برگزیدن مأموران رشوه‌خوار و مردم آزار و ایجاد حکومت ستمگر نظامی در میان ایلات، چیزی نگذشت که انزجار مطلق افراد ساده و بدوی ایل را نسـبت به خود جلـب کرد. تجاوز، تعدی و فشـار و ظلم مأموران دولت بخصوص در زمان حکومت سروانی به‌نام عباس (خان نیکبخت) به اوج شدت رسید، تا آنجا که این افسر ناشایسته و خائن توله سـگ‌های خود را برای آنکه بعدها زبان بفهمند با شـیر زن‌های نجیب ایـلات می‌پروراند. چند سالی نگذشت که این مظالم طاقت‌فرسا منجر به طغیان قشقایی‌ها در سـال ۱۳۰۸ شد.» در نهایت همه این سـرکوب‌ها حاصلی جز سـرخوردگی و تضعیف شدید عشایر به همراه نداشت؛ نکته‌ای که باعث شد ایلات کشور در زمان حمله متفقین توانی برای مقابله با بیگانه نداشته باشند. با سقوط رضاشاه و تبعید او عشایر ایران روستاهای جدید الاحداث خود را تخریب کردند و بار دیگر به زندگی کوچ‌نشینی بازگشتند.

رادیو ژورنال

اشغال به روایت فرمانده قوای بریتانیا

حمله به سوی ایران

از آوریل سـال ۱۹۴۱ تـا ژانویه سـال ۱۹۴۲ ژنرال آرچیبالد ویـول که فرماندهی ارتـش بریتانیا را در منطقه ایران و عراق داشـته، در سـال ۱۹۴۷ به شرح اقدامات و عملیات خود در اشـغال ایـران پرداخته است:

«اولین سـتون از سپاهیان بریتانیایی که از سوی ستاد ارتش مأمور اشـغال ایران و عراق شدند، لشکر دهم هندوسـتان بـود کـه از ۱۸ آوریـل ۱۹۴۱ به بصره حرکت کردند.

این نیروها سابقاً به‌منظور حرکت به جبهه‌های مالایا آماده شده بودند و به همین جهت حرکت فوری آنها به سوی بندر بصره دشوار به نظر می‌رسید مخصوصاً که برای انجام این مأموریت تأکید شـده بود که در هر حال سرعت عمل رعایت شـود. این بود که در مـدت کوتاهی، چهـار صد تن از گردان سـلطنتی نیز که در آن زمان در بندر کراچی اقامت داشـتند، جهت همکاری و حفظ سرعت عمل به ارتش اخیر پیوستند و خود را برای حرکت به سوی باختر خلیج فارس آماده سـاختند. در آغـاز کار دولت انقلابی عراق تصور می کرد که سـپاهیان دیگری در بصره پیاده نخواهند شـد، لیکن در هفتم ماه مه همان سال سـرهنگ ادوارد ب. کویتان، مأموریت یافت که با نیروهای خود برای تأمین وسایل ارتباطات در بصره پیاده شوند. این سپاهیان نیز چندی بعد در بندر بصره پیاده شـده و با الحاق به دسته‌های اولیه در نزدیکی فرودگاه حبانیه عراق اقامت گزیدند.

پس از اسـتقرار نیروهای مختلف اخیـر، من‌[ژنرال آرچیبالد ویول] با سمت فرماندهی کل قوای ارتش بریتانیا در خاورمیانه نظارت سپاهیان مزبور را برعهده گرفته و چندی بعد نقشـه اشغال عراق طرح گردید.

تصرف شهر بغداد بر اثر حسن تدبیر فرماندهی عالی ارتش بریتانیا بدون کوچک‌ترین اتفاقی عملی گردید و در ماه ژوئن قسمتی از نیروی بریتانیا بدون هیچ گونه خطر احتمالی به سـوی موصل کـه در آن موقع از جهت فعالیت عمال ستون پنجم مورد سوءظن قرار گرفته بود، حرکت کردند.

چندی بعد نیز، جهت تأمین امنیت راه‌آهن بین ترکیه و سـوریه قسـمت دیگری از نیرو به طرف شـمال عراق حرکت کرده و مشـکلاتی که در پیش بود، با کم‌ترین جدیت مرتفـع گردید. ارتش بریتانیا که در عراق اقامت داشتند بر آن شدند، تحت تعلیمات فرماندهـی عالی بریتانیا در منطقه عراق و سـوریه و حتی سواحل ترکیه مشغول اقدامات گردند، لیکن در همین احوال معلوم شد که ارتش آلمان با سرعت برق آسـا به مرزهای اتحاد جماهیر شوروی حمله کرده است و بدون درنگ سرهنگ کوینان از طرف ژنرال آرچیبالد ویول مأمور طرح نقشه و تهیه مقدمات دفاع از مرزهای شمالی عراق گردید، زیرا احتمال می‌رفت که منطقه اخیر از طریـق ایران با آناتولی در معرض تهدید ارتش آلمان قرار گیرد.

ایـران به هیچ وجـه حاضر به قبول شـنیدن مطالب دولت‌های بریتانیا و شـوروی نبوده و اجازه نمی‌داد ارتش خارجی به هر منظور که باشد، به خاک ایران قدم گذارد. بنابراین در ۲۲ ژوئیه، سرهنگ کوینان که اکنون ژنرال شده بود، سپاهیان خود را برای حمله و اشغال آبادان و مناطق نفت خیز جنوب باختری ایران آماده ساخت. نقشه اصلی ژنرال کوینان اشغال مراکز تصفیه نفت در آبادان، خرمشـهر و مناطق چاه‌های نفت هفتکل به وسـیله ارتش هشتم هندی و منطقه قصر شیرین بوسیله گردان مسلح دوم هندی بود.

چون تا این زمان یادداشت‌هایی که از طرف مقامات بریتانیا و اتحاد جماهیرشـوروی به دولت ایران داده شده بود، بدون پاسخ مانده بود، لذا با موافقت مرکز فرماندهی شوروی مقرر گردید که همزمان از شمال و جنوب به ایران حمله شـود. چه در این صورت در هر یـک از جبهه‌ها بیش از ۵ لشـکر ایرانی قادر به مقاومت نخواهند بود.

بعـد از فراهم آمدن ایـن مقدمـات در ۲۵ اوت [۳ شـهریور ۱۳۲۰] حمله به سـوی ایران آغاز گردید، لیکن مقاومت ارتش ایران بقدری که انتظار می‌رفت شـدید نبود، مختصر مقاومتی در منطقه آبادان دیده شـد، در اهواز هم از طرف ارتش ایران ایسـتادگی نسبتاً کمی ابراز گردید و در بعضی نقاط نیز چندین آتش‌سوزی به وقوع پیوست. لیکن ارتش بریتانیایی و هنـدی مجموعاً در این جنگ ۶۴ تن تلفات دادند و نیروهای شوروی نیز با مقاومتی نظیر جنوب مواجه شـده با تلفات اندک، شهرهای نوار شمالی ایران را اشغال نمودند.

در ماه سپتامبر، ایران تقاضاهای متفقین را پذیرفته و کمی بعد اشـغال نظامی تهران صورت عمل به خود گرفت و تا پایان همین ماه موضوع اشغال کامل انجام شـد و در این تاریخ ارتش‌های ششم، هشتم و دهم هند و بریتانیا در مناطق ایران و عراق مسـتقر شده و خود را برای هرگونه پیشـامدهای احتمالی از ناحیه آلمان‌ها آماده سـاخته بودند و حتی جمع کثیری از کارگران و مهندسـان ایرانی و عراقی جهت ساختن فرودگاه‌ها و توسـعه وسـایل حمل‌ونقل اسـتخدام گردیدند.

در ماه اکتبر از طرف فرماندهی عالی بریتانیا دستوری واصل گردید که دو لشکر خود را حاضر به حرکت و دخول به منطقه قفقاز نمایند. این دو لشکر چندی بعد وارد شـهر کرکوک شده و تعداد ۳۰ هواپیمای بریتانیا نیز خود را حاضر به همکاری با نیروی زمینی مزبور نمودند.

اما بروز مشکلاتی در مناطق دیگر جنگ فرماندهی ارتش خاورمیانه را از تعقیب این نقشه منصرف کرد و تا پایان جنگ نیروهای بریتانیایی با اقامت در خاک ایران و عراق و فراهم ساختن احتیاجات کامل جهت دفاع از قفقاز اکتفا کردند.»

ماهنامه گل های رنگارنگ– ۲۰ بهمن ۱۳۲۵

۱۱ مرداد

چرچیل نخست‌وزیر بریتانیا از وزیر خارجه کشورش خواست برای جلوگیری از رخدادهای خطرناکی که ممکن است به‌خاطر تشابه املاء اسامی ایران و عراق به وجود آید در تمام مکاتبات به‌جای کلمه ایران از واژه پرس استفاده شود.

۲۰ مرداد

فرانکلین روزولت رئیس جمهوری امریکا در دیدار با چرچیل با برنامه‌های انگلیس درباره ایران موافقت کرد.

۲۴ مرداد

وزیرمختار امریکا در گزارشی به وزارت خارجه نوشت: در صورت تهاجم انگلیس و روسیه به ایران، شاه تاج و تخت خود را از دست خواهد داد.

۲۵ مرداد

روسیه و انگلیس برای آخرین بار به رضاشاه اخطار کردند که کارشناسان آلمانی را از ایران اخراج کند.

۲۹ مرداد

وزارت امور خارجه ایران در پاسخی کتبی به درخواست مشترک انگلیس و روسیه: یکصد نفر از کارشناسان آلمانی در یک ماه آینده ایران را ترک خواهند کرد.

۱ شهریور

رضاشاه دستور خروج آلمان‌ها از ایران را صادر کرد. این دستور در آستانه اشغال ایران توسط متفقین و به امید منصرف کردن روس و انگلیس از این اشغالگری داده شد.

۲ شهریور

«چرچیل» نخست‌وزیر بریتانیا در پیامی به فرمانده نیروهای نظامی انگلیس در عراق دستور داد خودش را برای اشغال نظامی پالاشگاه نفت آبادان و چاه های نفت مجاور آن و همچنین چاه های نفت خانقین در صورت عکس‌العمل ایران علیه انگلستان آماده سازد.

۶ شهریور

رضاشاه، سرهنگ مختاری رئیس شهربانی کل کشور را به کاخ سعدآباد احضار کرد و از او خواست مخفیانه ترتیب اعزام خانواده سلطنتی به اصفهان را بدهد.

۷ شهریور

رضاشاه، خانواده خود ـ به استثنای محمدرضا پهلوی ولیعهد ـ را روانه اصفهان کرد.

۲۰ شهریور

روزنامه اطلاعات با فشار انگلیس و شوروی و به دستور رضاشاه توقیف شد. این اقدام به خاطر انتشار مقاله‌ای در حمایت از دولت‌های محور و انتقاد علیه روسیه و انگلستان صورت گرفت.

۱۳۲۰ شهریور

1941

تهیه و تنظیم: محمد گرشاسبی